

در آمدی بر سیره قرآنی امام حسین (ع)

علی اسعدی

اشاره:

امام حسین (ع) نه تنها شاگرد مکتب قرآن که عدل و شریک قرآن است
از این روست که در ترازوی از زیارتنامه شریفش می خوانیم:
السلام علیک یا شریک القرآن؛ سلام بر تو ای شریک قرآن و در حدیث نقلین
نیز همداوشنی امام به عنوان قرآن ناطق
و قرآن به عنوان امام صامت گردیده است.
نویسنار حاضر به بحث و بررسی پیرامون سیره قرآنی امام حسین (ع) می پردازد
که هم اکنون از نظر همراهمان و خوانندگان گرامی می گذرد.

مقدمه

● امام

حسین(ع) نه تنها شاگرد مکتب قرآن که عدل و شریک قرآن است از این روست که در فرازی از زیارتنامه شریفش می خوانیم: السلام علیک یا شریک القران

امام حسین(ع) گوهر تابناک و چراغ درخشانی است که همواره بر تارک تاریخ درخشیده و خواهد درخشید. طالبان هدایت و انسان های خسته از ظلم و تبعیض و ذلت و ستیزه، نامردمی و ناجوانمردی را به حق رهنمون ساخته و بیدار نموده است. عنصر جاودانه ای که به یقین رمز ماندگاریش را در الهی بودنش باید جست. سیره ارجمندش را در قرآن باید نگریست تا به حقیقتش یا شمه ای از حقیقتش دست یافت. امام حسین(ع) نه تنها شاگرد مکتب قرآن که عدل و شریک قرآن است از این روست که در فرازی از زیارتنامه شریفش می خوانیم: السلام علیک یا شریک القران^(۱)

سلام بر تو ای شریک قرآن و در حدیث ثقلین نیز همدوشی امام به عنوان قرآن ناطق و قرآن به عنوان امام صامت گردیده است. رسول الله(ص) فرمودند: انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی اهل بیتی فانهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض^(۲) حال که ائمه(ع) بطور عام و امام حسین(ع) به طور خاص چنین نسبت و خویشاوندی محکمی با قرآن دارند باید تفسیر قرآن را در آنان جست که در وجود آنها کرامت ها و فضیلت های قرآن و گنج های الهی نهفته است. فیهم کوائم القرآن و هم کنوز الرحمن^(۳) در این نوشتار بر آنیم که فرازهایی از آیات نورانی قرآن را در سیره علمی و عملی آن امام همام جستجو کنیم و آیات این کتاب صامت را با نور وجود این پرتو درخشنده به نطق آوریم. اگر چه ما را هرگز یارای آن نیست که عمق شخصیت آن دریای علم و معرفت و اخلاق و معنویت را ببینیم ولی از باب عرض ارادات به پیشگاه آن شفیع روز محشر چند جمله ای را به تحریر در می آوریم.

انس با قرآن

انس آدمی یا هر چیز ریشه در ارج و اهمیتی دارد که انسان برای آن چیز قائل است ره بویان راه یقین و سالکان وادی علم و معرفت از آن جا که محبوبترین محبوب را ذات اقدس خداوند می دانند و فقط دل در گرو او دارند، کتاب او را که پرتوی از ذات او و واسطه سخن خداوند با بندگانش است - پر منزلت و تنها طریق هدایت می دانند از این رو با آن انس و بیژدای داشته و قلب و جان و اعمال خویش را با آن گوهر حیاتبخش خدایی می کنند. قرآن کریم به لزوم این انس اشاره کرده است. از مؤمنان می خواهد با تلاوت آیات آن، اولین مرحله انس را ببینند. فاقراءوا ما تبسرو من القرآن^(۴) هر آنچه برایتان امکان دارد قرآن بخوانید.



- اکسیر
- حیات بخشی که
- به کارها و افکار
- رنگ جاودانگی
- می بخشد
- اخلاص و انجام
- عمل برای رضای
- الهی است
- خداوند در
- قرآن از بندگان
- مؤمن خویش
- خواسته است که
- کارها را فقط
- برای رضای او
- انجام دهند

در آیه دیگر آنان که در قرآن اندیشه نمی کنند مورد نکوهش قرار داده، می فرماید: **أفلا يتدبرون القرآن أم على قلوب أقفالها؟** (آیا به آیات قرآن نمی اندیشید؟ یا بر دل‌هایشان قفل‌هایی نهاده شده است؟ امام حسین (ع) انس ویژه‌ای با قرآن داشت چون منزلتی بزرگ برای آن قائل بود. نمونه‌ای از این منزلت را می‌توان در حکایت زیر مشاهده کرد: عبدالرحمان به فرزند امام حسین (ع) الحمد لله رب العالمین را آموخت، وقتی که آن را بر پدر خواند، حضرت هزار دینار را به او بخشید و دهان او را پر از طلا کرد. از آن حضرت دلیل آن سؤال شد. حضرت پاسخ دادند: چگونه می‌توان کار او را [تعلیم قرآن] یا این پاداش مقایسه کرد؟^(۶۷) انس امام حسین با قرآن را می‌توان در تمام زوایای زندگیش ملاحظه کرد، نصایح و مواعظش، سیره علمی و عملی‌اش و حماسه خونینش همه و همه در قرآن و الهام گرفته از آن بود. بنابراین کویته‌بینانی که شخصیت حماسی و قیام مردانه‌اش را زیر سؤال می‌برند و گاه بر چسب خشونت‌طلبی، عدم توجه به مصالح، بی‌سیاستی، انتقام‌جویی و... را به آن حضرت نسبت می‌دهند اگر ریشه‌های قرآنی عمل آن بزرگوار را بدانند و واقعا در پی حق و یقین باشند نه بهانه‌جویی، به حقیقت رهنمون خواهند شد. آری، اهل بیت و بویژه امام حسین (ع) فرزندان پیامبر و شاگرد مکتب قرآنند پس چگونه گفتار و مواعظشان متکی به قرآن نباشد حرکت و قیام حسینی از همان آغاز بر مبنای قرآن همراه بود. نه تنها ریشه‌های این حماسه را می‌توان با قرآن بدست آورد بلکه امام (ع) خود با استناد به آیات قرآن حرکت خود را الهام گرفته از آن می‌دانست که نمونه‌هایی از آن را ذکر می‌کنیم.

الف) در نخستین برخورد با والی مدینه، خود و اهل بیت را معدن رسالت و... معرفی می‌کند و می‌فرماید: در حالی که یزید مردی فاسق و شرابخوار و... است پس چگونه امام را شایسته است که با او بیعت کند.^(۶۸)

ب) هنگامی که مروان اصرار می‌کند که والی مدینه از امام حسین (ع) بیعت بگیرد امام (ع) او را پلید و خود را با استناد به قرآن مطهر بیان می‌دارد: **الیک عنی، أنا من بیت الطهاره الذین أنزل الله فیهم علی نبیه: إنما یرید الله لیلذهب عنکم الرجس أهل البیت و یطهرکم تطهیرا**^(۶۹)

ج) آنگاه که با کاروان خود از مدینه بیرون آمد این آیه را تلاوت فرمود: **رب نجنی من القوم الظالمین**^(۷۰) و این همان دعایی است که حضرت موسی (ع) به هنگام خروجش با بنی اسرائیل آن را بر زبان جاری ساخت. د) آنگاه که به مکه رسید این آیه را تلاوت نمود: و لما توجه تلقاء مدین قال عسی ربی أن یهدینى سواء السبیل^(۷۱) به این ترتیب هجرت خود را به هجرت موسی که هر دو در جهت کوییدن بیداد و ظلم بود تشبیه می‌کند. ه) پس از ورود به مکه نامه‌ای برای سران قبایل بصره نوشت و آنان را به کتاب خدا دعوت کرد: و انا ادعوکم الی کتاب الله و سته نبیه^(۷۲)

و) وقتی که عصر پنجشنبه نهم محرم عمر بن سعد فرمان حمله داد و لشکر به حرکت در آمد از برادرش ابوالفضل (ع) درخواست می‌کند که یک شب از امویان مهلت بگیرید تا در آن شب فقط دعا، نماز، تلاوت قرآن، استغفار و راز و نیاز با خدا داشته باشد: فهو یعلم انی کنت قد احب الصلوه و تلاوه کتابه و کثره الدعاء و الاستغفار و خداوند می‌داند که من نماز برای خدا و تلاوت قرآن و بسیاری دعا و استغفار را دوست می‌داشتم امام آن شب به خیمه باز می‌گردد و تمام شب را چنین می‌کند.^(۷۳) انس امام با قرآن به دوران حیات جسمی محدود نمی‌شود بلکه بعد از شهادت نیز ادامه دارد: منهل بن عمرو گوید، چون سر مطهر امام (ع) را به دمشق آورده بر نی حمل می‌کردند، من پیش روی او بودم. شخصی سوره کهف را می‌خواند تا رسید به آیه شریفه **أم حسبت أن أصحاب الکهف و الرقیم کانوا من آیتنا عجبا!**^(۷۴) به آیا پنداشتی که داستان اصحاب کهف و رقیم از آیات شگفت ماست؟! به خدا سوگند ناگاه آن سر مطهر به سخن آمد و با زبان فصیح فرمود: شگفت تر

از اصحاب کهف، واقعه شهادت و بردن من بر نی است^(۷۵) سلمه بن کهیل گوید: سر مطهر را دیدم که بر نی این آیه را می‌خواند **فسیکفیکم الله و هو السميع العلیم!**^(۷۶) خداوند شما را از شر ایشان نگر خواهد داشت و او شنوای داناست.^(۷۷)

اخلاص و رضایت الهی

اکسیر حیات بخشی که به کارها و افکار رنگ جاودانگی می‌بخشد اخلاص و انجام عمل برای رضای الهی است خداوند در قرآن از بندگان مؤمن خویش خواسته است که کارها را فقط برای رضای او انجام دهند. **صیغه الله و من أحسن من الله صیغه؛**^(۷۸) رنگ الهی بگیرد و چه چیز از رنگ الهی نیکوتر است. و در آیه دیگر خداوند به پیامبر می‌فرماید: **أن تقوموا لله مشی و فر دی؛** دو دو به تنهایی برای خدا به پا خیزید. قرآن در ستایش طبقه‌ای از مجاهدان راه حق و تشویق آن‌ها می‌فرماید: **إن الله اشتری من المؤمنین أنفسهم و أموالهم بأن لهم الجنة؛**^(۷۹) در حقیقت خدا از مؤمنان جان و مالشان را به [بهای] اینکه بهشت برای آنان باشد خریده است. چنان که ملاحظه می‌شود خداوند در این آیه بهشت را بهای جان و مال مؤمنان جهادگر می‌شمارد اما در آیه‌ای دیگر در ستایش تعدادی از انسان‌های بلند پرواز می‌فرماید: **ومن الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله؛** در این آیه آنانکه جانشان را با عشق به خدا می‌فروشند هدفشان در بهشت فقط رضای الهی است.^(۸۰) امام حسین (ع) هدف اصلی سفر به کربلا را تحصیل رضای الهی می‌داند از این رو در آغاز سفر و کنار قبر جد بزرگوارش (ص) از خداوند می‌خواهد که او را به این همه موفق بدارد و راهی در پیش رویش بگذارد که رضای او و رضای رسولش در آن است.^(۸۱) این معنا در خطابه‌های دیگر آن بزرگوار نیز کاملاً مشهود است.^(۸۲)

اخلاق کریمانه

سخاوت، عفو و گذشت، احسانگری و دستگیری بینوایان نمودهایی از اخلاق کریمانه‌ای است که در جای جای قرآن می‌توان آنها را جست و امام حسین، شاگرد مکتب قرآن تجسم عینی این صفات و اوصاف دیگر قرآنی است و ما در این جا به عنوان نمونه به ذکر پاره‌ای از آن‌ها می‌پردازیم.

- گذشت

گذشت عالی‌ترین کرامت انسانی است بویژه آنکه آدمی قدرت بر انتقام نیز داشته باشد آموزه‌های قرآنی نه تنها به عفو در مقابل بدی تأکید دارند بلکه در سطحی بالاتر توصیه می‌کنند که جواب را با خوبی پاسخ دهید و آن **تغفوا أقرب للتقوی؛**^(۸۳) گذشت کردن شما به تقوی نزدیک‌تر است. و لا تستوی الحسنه و لا السیئه ادفع بالتی هی أحسن؛^(۸۴) و نیکی با بدی یکسان نیست [بدی را] به آنچه بهتر است دفع کن. **عصام بن المصطلق گوید:** وارد مدینه شدم، حسین بن علی (ع) را مشاهده نموده و خوش‌نامی و مقام و منزلتش مرا به شگفت آورد به گونه‌ای که حسدی که در سینه نسبت به پدرش داشتم مرا به شدت برانگیخت به او گفتم: تو پسر ابوتراب هستی؟ ایشان فرمود: آری. شروع کردم به شتم و سب او و پدرش؛ حسین (ع) نگاهی رنوفتانه به من کرد و فرمود: **اعوذ بالله من الشیطان الرجیم. بسم الله الرحمن الرحیم × خذ العفو وأمر بالعرف وأعرض عن الجاهلین.** آنگاه فرمود: آرام باش و برای من و خودت از خداوند طلب مغفرت کن اگر از ما یاری می‌خواستی ما تو را کمک می‌کردیم و اگر طالب حمایت بودی، تو را پشتیبانی می‌نمودیم و اگر هدایت و ارشاد طلب می‌کردی تو را رهنمون می‌شدیم... عصام می‌گوید آثار ندامت و پشیمانی در چهره‌ام نقش بست. آنگاه امام فرمود: سرزنشی بر تو نیست خداوند تو را می‌بخشاید که مهربان‌ترین مهربانان است. آیا تو اهل شامی؟ گفتم: بلی؛





گفت: خداوند ما و تو را زنده نگه دارد، هر حاجت و نیازی داشتی با ما در میان بگذار، امیدوارم که به خواست خدا هر چه می خواهی به بهترین وجهی آن را بیابی. عصام گوید: زمین با تمام وسعتش بر من تنگ شد. دوست داشتم که مرا در خود فرو برد. در همان لحظه ناگهان فکر کردم که در سرتاسر زمین محبوبتر از او و پدرش نزد من هیچ کس وجود ندارد.^{۱۴۵}

- تواضع و فروتنی

تواضع صفت ارزشمند مردان الهی است و آنان که پیشوای مردمند و الگویی آنان، وجود این صفت در آنان لازمتر است. تواضع در مقابل بندگان خوب و انسان های ستم کشیده نوعی جوانمردی، صبر و شجاعت، اما در مقابل مستکبران و کافران نشانه ذلت است. قرآن کریم از یک سو به نكوهش تکیه می پردازد: «و لا تمش فی الأرض مرحا!»^{۱۴۶} در روی زمین با تکبر راه مرو؛ فینس مئوی المتکبرین!^{۱۴۷} بد جایگاهی است جایگاه متکبران و از سوی دیگر لزوم تواضع را گوشزد می کند و عباد الرحمن الذین یمشون علی الأرض هونا؛^{۱۴۸} بندگان خدای رحمان کسانی اند که در روی زمین به نرمی [و بدون تکبر] گام بر می دارند؛ و اخفض جناحک لمن اتبعک من المؤمنین^{۱۴۹} امام حسین (ع) نیز صاحب این سیره ارزشمند قرآنی بود. مسعده گوید: گذر امام حسین (ع) به فقیرانی افتاد که گلیم خود را پهن کرده و خود را بر آن افکنده بودند (و غذا می خوردند) و حضرت را دعوت نمودند؛ حضرت (ع) به زانو، نشست و با آنان هم خوراک شد. سپس این آیه

- فوق را تلاوت نمود آن گاه فقرا را به منزل خویش دعوت نمود. پس برخاستند و همراه حضرت (ع) به منزل او آمدند. حضرت (ع) به کنیز خود فرمود: آنچه را ذخیره می کردی بیرون بیاور.^{۱۴۰}
- - سخاوت
- جود و سخاوت از فضایل مهم اخلاقی است، هر اندازه بخل نشانه پستی و حقارت و ضعف ایمان و فقدان شخصیت است جود و سخاوت نشانه ایمان و شخصیت والای انسانی است. در آیات قرآن هر چند واژه جود و سخاوت به کار نرفته اما تعبیراتی دیده می شود که بر این دو مفهوم منطبق است، انفاق اموال در راه خدا، ایثار اموال و جان ها، انفاق از آنچه خود به آن نیازمندیم یا آن را دوست داریم، و... از جمله تعبیرات قرآن برای توصیف سخاوت است که اکنون به چند مورد آن اشاره می کنیم: یحییون من هاجر إلیهم و لا یجدون فی صدورهم حاجة مما آوتوا و یؤثرون علی أنفسهم ولو کان بهم خصاصة...^{۱۴۱} [انصار]... هر کس را که به سوی آنان کوچ کرد. دوست دارند و نسبت به آنچه به ایشان داده شده در دلهایشان حسد نمی یابند، هر چند در خودشان احتیاجی، [میرم] باشد. و یطعمون الطعام علی حبه مسکینا و یتیموا و أسیرا. إنما نطعمکم لوجه الله لا نرید منکم جزاء و لا شکورا؛^{۱۴۲} و غذای (خود) را با این که نه آن، علاقه (و نیاز) دارند به مسکین و یتیم و اسیر می دهند (و می گویند) ما شما را به خاطر خدا اطعام می کنیم و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی خواهیم. امام حسین (ع) اسوه
- هر اندازه
- بخل نشانه
- پستی و حقارت
- و ضعف ایمان و
- فقدان شخصیت
- است جود و
- سخاوت نشانه
- ایمان و
- شخصیت والای
- انسانی است



بنای رفیع
جامعه اسلامی بر
ستون مستحکم
امر به معروف و
نهی از منکر
گذاشته شده و
امت مسلمان
بهترین امتی
هستند که برای
امر به معروف و
نهی از منکر
برانگیخته
شدند

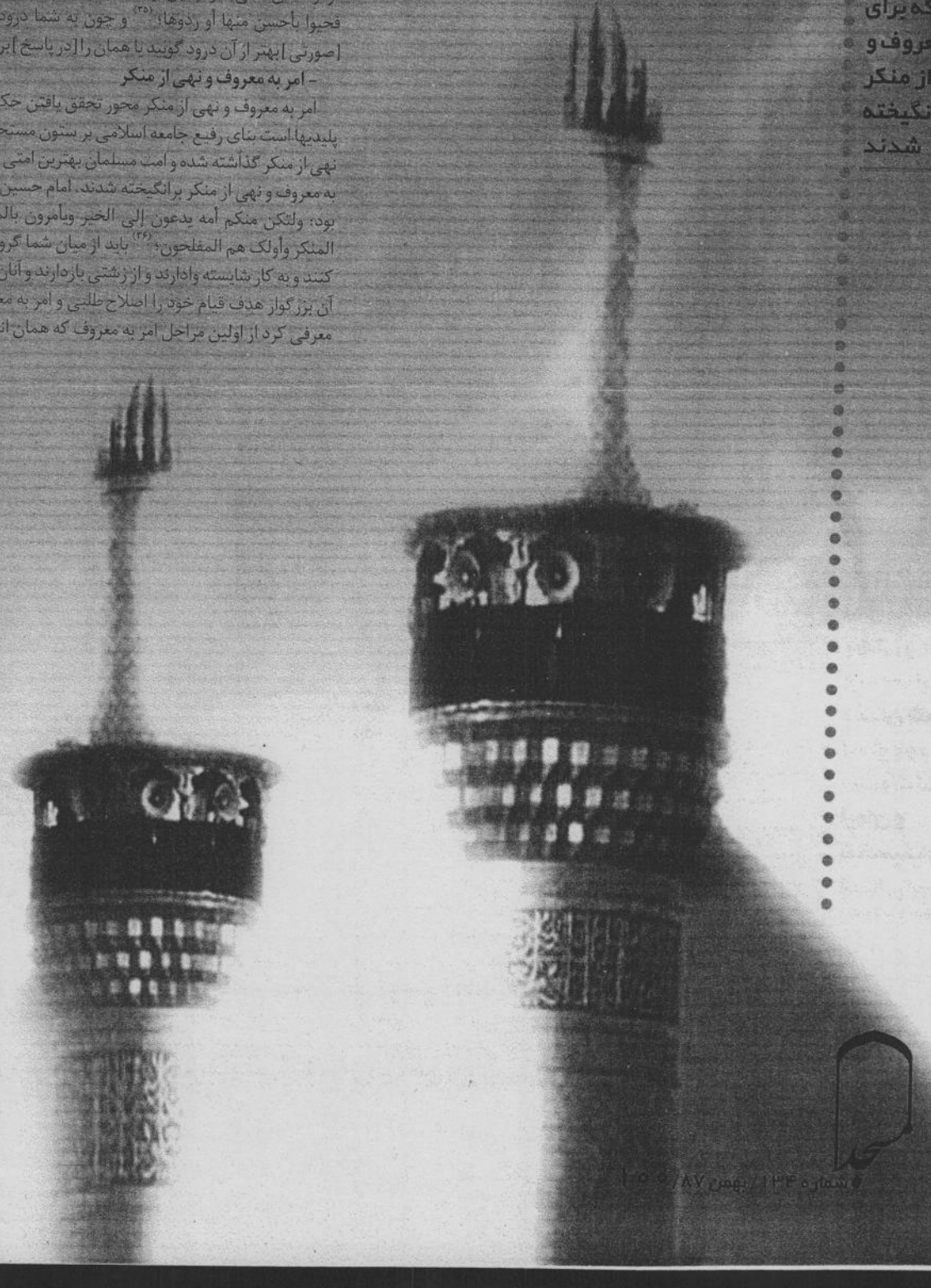
سخاوت بود. روایت شده که ابو موسی بنی نضیر از بصره برای حسین (ع) کلاه می آورد و آن حضرت از جای برخاسته همسر را به همراه می بخشد. این سخاوت روایت کرده است: گدایی، میان کوفته های مدینه قدم بر می داشت و گدایی می کرد تا به در خانه حسین (ع) رسید در را کوبید و این حسین سرود تا آید بر می گزید امروز آن کسی که به تو امیدوار باشد و حلقه در خانه تو را حرکت دهد، تو صاحب خود و معدن بخششی و بدرت کشنده فاسقان بود. حسین (ع) مشغول نماز بود، نماز را به زودی به جای آورد و بیرون آمده و در ستمای اعرابی اثر تنگدستی را مشاهده کرد، برگشت و قنبر را صدا زد، قنبر جوان داد (لیک یا بن رسول الله) فرمود: از پول مخارج ما چه قدر مانده است، عرض کرد دوپست درهم که فرمودی در بین

اهل بیت حسین کم فرمود آن را باور کسی آمده که از آن خانه این پول سزاوارتر است... آخر این پول ها را گرفت و رفت در حالی که می گفت: الله اعلم حیسرت جعل رسالتی خداوند دایم است به آنکه رسالت خویش را بر وجه کسی قرار دهد
- احسان گری

این گوید نزد امام حسین (ع) بنیستند بودم در این هنگام یکی از کسیران آن حضرت باز شد و با دست ریحانی که به آن حضرت هدیه کرد سلام و تحیت گفت، حضرت نیز به او فرمود: تو در راه خدا و برای خدا آزادی، انس می گوید: من به آن حضرت عرض کردم: این کتیر با چند شاخه ریحان که اهمیتی ندارد به شما تحیت گفت، حال شما او را آزاد می کنید؟ حضرت فرمود: حق تعالی ما را چنین تربیت کرده و فرموده است: و اذنا حیثیم بنحیه فحیوا یا حسین منبها او ردوها؛^(۳۵) و چون به شما درون گفته شد، شما به صورتی بهتر از آن درود گویند تا همان را [در پاسخ] بر گردانید.

- امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر محور تحقق یافتن حکمت ارزشها و محو پلیدیها است بنای رفیع جامعه اسلامی بر ستون مستحکم امر به معروف و نهی از منکر گذاشته شده و امت مسلمان بهترین امتی هستند که برای امر به معروف و نهی از منکر برانگیخته شدند، امام حسین (ع) مصداق این آیه بود، ولکن منکم امة یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و اولک هم المفلحون؛^(۳۶) باید از میان شما گروهی به نیکی دعوت کنند و به کار ناپسند واهارند و از زشتی بازدارند و آنان همان رستگارانند. آن بزرگوار هدف قیام خود را اصلاح طلبی و امر به معروف و نهی از منکر معرفی کرد از اولین مراحل امر به معروف که همان اندرز و نصیحت است



السلام علی ساکن

کن کلاب

ایثار یکی از
جلوه‌های
عرفانی قیام
امام حسین (ع) و
بلکه از زیباترین
آنهاست،
جلوه‌ای که قرآن
کریم بسیار بر
آن تأکید کرده و
در نمودهای
مختلف ظاهر
گشته است

آغاز کرد و بارها و بارها برزیدیان را ایند داد^(۳۳) و تا آخرین مرحله که گذشتن از جان خویش است در راه احیای این عنصر مهم کوشا بود. آن حضرت در این باره چنین می‌فرماید: انما خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدی محمد (ص) اريد ان آمر بالمعروف وانهی عن المنکر... من برای اصلاح در امت جدم محمد (ص) قیام کردم و امر به معروف و نهی از منکر را طلبیم...^(۳۴)

- ایثار

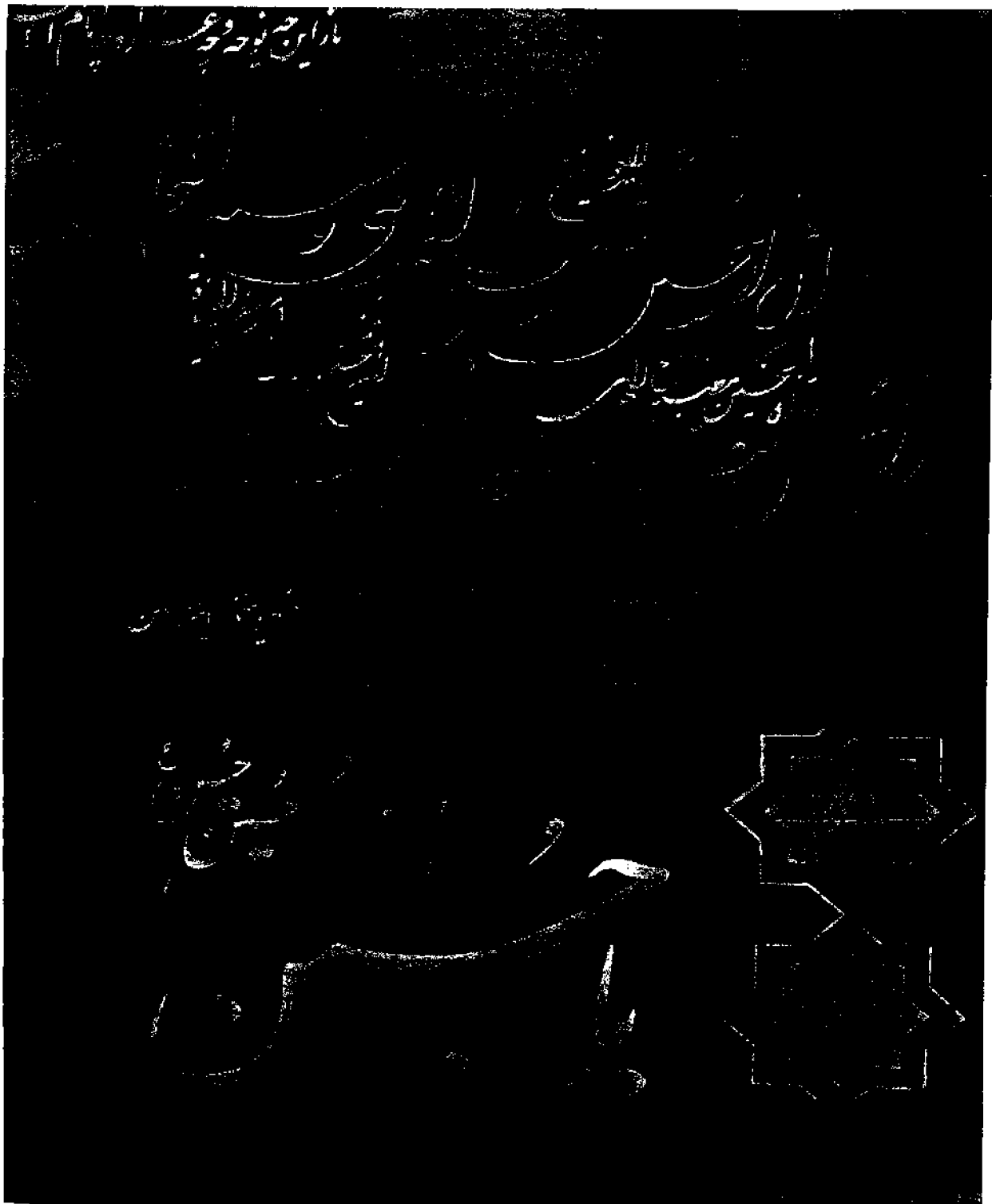
ایثار یکی از جلوه‌های عرفانی قیام امام حسین (ع) و بلکه از زیباترین آنهاست، جلوه‌ای که قرآن کریم بسیار بر آن تأکید کرده و در نمودهای مختلف ظاهر گشته است، شهادت در راه خدا و انفاق مال که آیات بسیاری درباره آن‌ها نازل شده از این جمله است: اوج ایثار و از خودگذشتگی را در ليله الميبت که علی (ع) به جای پیامبر خواهید می‌توان ملاحظه کرد و خداوند مدال و من الناس من یشرى نفسه ابتغاء مرضات الله...^(۳۵) را درباره آن بزرگوار نازل کرد. در سوره انسان نیز درخشش دیگری از این فداکاری را که ناظر بر اهل بیت است ملاحظه می‌کنیم و یطعمون الطعام علی حبه مسکینا و یتیمًا و اسیرًا. انما نطعمکم لوجه الله...^(۳۶) اساس قیام امام حسین (ع) و یاران آن بزرگوار که برگرفته از مکتب آن حضرت است بر محور از خودگذشتگی است. عدم قبول بیعت امام با امویان و از خود گذشتن برای اثبات حقیقت نمونه بارز ایثار آن بزرگوار بود. دست‌یابی حضرت ابوالفضل العباس (ع) به آب و نیاشامیدن آن، جان فشانی دو تن از

یاران امام (ع) در ظهر عاشورا که جهت اقامه نماز تن خود را سپر بلای آن حضرت ساختند و به شهادت رسیدند، از ادتهایی که اصحاب آن حضرت در شب عاشورا ابراز کردند و در روز عاشورا تا زنده بودند نگذاشتند که از بنی هاشم وارد میدان شود و بنی هاشم نیز تا زنده بودند نگذاشتند امام (ع) وارد میدان شود و... همه و همه نمونه‌هایی بی‌مانند ایثارند که در قیام امام حسین جلوه‌گر شد. محمدعلی جناح سیاستمدار پاکستانی در این باره می‌گوید: هیچ نمونه‌ای از شجاعت بهتر از آن که امام حسین (ع) از لحاظ فداکاری نشان داد در عالم پیدا نمی‌شود^(۳۷) دانشمند اروپایی مورس دوکبری نیز می‌نویسد: امام حسین برای حفظ شرف و ناموس مردم و بزرگی مقام و مرتبه از جان و مال و فرزند گذشت...^(۳۸)

- توکل

یکی دیگر از آموزه‌های ارجمند قرآنی توکل است، کارها را به خدا سپردن و دل از هر چه غیر اوست برکندن، به یک مبدأ خبیر قادر تکیه کردن و در راه او گام برداشتن است چرا که قرآن خود فرموده است: و من یتوکل علی الله فهو حسبه^(۳۹) هر کس بر خدا توکل کند خدا او را کافی است؛ علی الله فلیتوکل المتوکلون^(۴۰) امام حسین (ع) در طول سفر خود به کربلا، خدا را تنها تکیه گاه خود می‌داند، در دومین سخنرانی خود در روز عاشورا پس از آن که هر دو سپاه آماده نبرد شدند خطاب به سربازان عمر سعد فرمود: سخن مرا بشنوید و عجله نکنید... پس [در] کارتان با شریکان خود همدارستان شوید تا کارتان بر شما مشتبه ننماید پس درباره من تصمیم





- انسان قرآنی
- در عین صلابت
- و قاطعیت،
- رؤوف و در عین
- تهجد شبانگاهی
- چون شیر در
- روز، بر دشمنان
- می‌غرد قرآن
- رهبانیت را
- نمی‌پذیرد و در
- عین حال قطع
- ارتباط با خالق را
- نیز رد می‌کند

نحوای با معبودشان می‌پردازند. قرآن از یک سو نجوای و من الیل فتهجد به نافلة لک^(۳۸) سر می‌دهد و از سوی دیگر بانگ وقاتلوا المشرکین کأفہ^(۳۹) بر می‌آورد و حسین(ع) نیز چنین بود، آمیزه‌ای از حماسه و دلآوری و شجاعت و عرفان و معنویت، دعای عرفه امام حسین(ع) سراسر زمزمه‌های عارفانه او با معبود خویش است: الهی من کانت محاسنه مساوی فکیف لایکون مساویه مساوی؛^(۴۰) خدایا کسی که خوبی‌هایش بدی است چگونه بدیهایش بدی نباشد. جملات عارفانه امام حسین تنها یک روی سکه شخصیت است اما روی دیگر شخصیت حماسی و قهرمانی است که با سلاح خون به دیدار شمشیر می‌رود و چنین می‌سراید که: ان کان دین محمد لم یستقم الا بقتلی یا سیوف خذینی؛^(۴۱) اگر دین محمد(ص) جز با کشتن من پایدار نمی‌ماند پس ای شمشیرها مرا دریا بید.

گرفته مهلتم ندهید؛ بی‌تردید سرور من آن خدایی است که قرآن را فرو فرستاده و همواره دوستدار شایستگان است.^(۴۲)

- جامع اضداد

عده‌ای چنین می‌پندارند که انسان‌هایی که اهل عبادت و تهجد، عرفان و خلوت‌گزینی‌اند در صحنه اجتماع حضوری مؤثر نداشته و بالعکس انسان‌های حماسی و قاطع، از روحیه لطیفی برخوردار نیستند. اما انسان قرآنی در عین صلابت و قاطعیت، رؤوف و در عین تهجد شبانگاهی چون شیر در روز، بر دشمنان می‌غرد قرآن رهبانیت را نمی‌پذیرد و در عین حال قطع ارتباط با خالق را نیز رد می‌کند. از یک سو بر جهاد و شهادت، هجرت و امر به معروف و نهی از منکر به عنوان عناصر کلیدی شجاعت و حضور مؤثر در جامعه تأکید می‌کند و از دیگر سو مؤمنانی را می‌ستاید که شبها به



جاودانگی

قرآن کریم کتابی است که با گذشت زمان رنگ کهنگی بر چهره مفاهیم بلندش نمی‌نستیند و همواره ماندگار و جاودانه است. مردی از امام صادق (ع) سؤال کرد چگونه است که قرآن یا بحث و گفتگو در مورد آن فرسوده نمی‌شود و همواره شاداب و تازه است؟ حضرت فرمودند: بدان جهت که خداوند قرآن را مخصوص عصر و دورانی خاص قرار نداد. همچنانکه آن را به مردم خاصی اختصاص نداده است بلکه قرآن برای همه اعصار جدید و نزد هر گروهی تا به قیامت تازه است.^(۵۱) از آنجا که سرشت سیره گفتاری و رفتاری امام حسین (ع) با آموزه‌های قرآنی عجین گشته است، شخصیت او، قیام او و سیره او جاودانه است. حضرت زینب، شیر زن کربلا، این جاودانگی را پیش بینی کرده و خطاب به امام سجاد در دلداری آن حضرت بعد از واقعه دلخراش عاشورا می‌فرماید: ... بر فراز آرمگاه پدرت قبزه‌ای ترتیب خواهد داد که نشانه‌هایش کهنه نمی‌گردد و گذشت روزگار آن را از بین نمی‌برد، هر چه ستمگران برای نابودی آن کوشش کنند، هرگز به خواسته خود نائل نمی‌شوند، پیوسته شکوه و جلال آن رو به افزایش است.^(۵۲) شیخ عبدالحسین الاعم شاعر متعهد عرب در سوگ شهادت آن حضرت شعری ناظر به همین معنا دارد که: گرچه جسم مطهر حسین (ع) در صحرای کربلا مدتی اندک بدون دفن باقی ماند... لیکن قبر او در درون سینه و قلب دوستدارانش تا ابد جای دارد.^(۵۳)

حق تلاوت قرآن

در قرآن، ایمان آورندگان به این کتاب الهی کسانی معرفی شدند که حق تلاوت را به جای آورند: الذین اتبهم الكتاب يتلونه حق تلاوته أولئك يؤمنون به؛^(۵۴) کسانی که کتاب آسمانی به آن دادیم و آن را چنانکه باید می‌خوانند ایستادند که بدان ایمان دارند... امام صادق (ع) درباره چگونگی رعایت حق تلاوت قرآن می‌فرماید: آیتانش را روشن و شمرده می‌خوانند، سعی می‌کنند معنایش را بفهمند، احکام و فرامینش را به کار می‌بندند و به وعده‌هایش امیدوارند و از عذابش می‌ترسند... به خدا سوگند که حق تلاوت قرآن به حفظ آیات و پشت سر هم خواندن حروف و کلمات و تلاوت سوره‌ها و مطالعه حواشی و هوامش آن نیست...^(۵۵) امام حسین از کسانی بود که در گفتار و کردار حق تلاوت قرآن را رعایت کرد از این رو در قسمتی از زیارت‌نامه اش می‌خوانیم: أشهد أنك... تلوت الكتاب حق تلاوته...^(۵۶) گواهی می‌دهم که تو حق تلاوت قرآن را ادا نمودی و نیز آن حضرت خدا را به خاطر فراگیری معنای قرآن و رسیدن به مقام فقاقت دینی حمد و سپاس می‌گوید: اللهم انی احمدک علی ان اکرمنا بالنبوه و علمتنا القرآن وفقهتنا فی الدین^(۵۷)

حق گویی

قرآن کریم خود سخن حق است و إنه لحق الیقین (۵۸)؛ و آنزلنا إلیک الكتاب بالحق... (۵۹) امام حسین (ع) نیز زندگی و گفتارش بر مبنای حق و راستی بود چرا که بر مبنای آیه تطهیر امامان از هر گونه ناحق و پلیدی میرایند. در بخشی از زیارت آن بزرگوار که خطاب به ایشان است می‌خوانیم: أن الحق معک و الیک و أنت أهله و معدنه؛^(۶۰) همانا حق با تو و به سوی توست و تو اهل حق و معدن آن هستی

چند بعدی بودن

قرآن کریم کتابی است که از زوایای مختلف می‌توان به آن نگریست هر چند همه این ابعاد در یک جهت و آن هم هدایتگری است. آیة‌الله جوادی آملی در این باره چنین می‌نویسد: آیات قرآن که خود را هدایتگر مردم می‌داند هدی للناس^(۶۱) طوری تنظیم شده است که هر کس می‌تواند به مقدار سطح فکر خود از خرم معارف و مآثر آن خوشه‌ای برگیرد، هم برای عارفان، حکیمان و سایر اندیشوران برنامه هدایتی دارد و هم برای توده

مردم و اعراب بیابانگرد... سالار شهیدان، حسین بن علی (ع) همانند قرآن در چهره‌های گوناگون برای مردم جهان درخشید، برای عارفان در چهره دعای عرفه، برای زمامداران حامی قسط و عدل و حامی مستضعفان و محرومان در چهره نهضت و قیام علیه طغیانگران امویان، برای پرهیزکاری در چهره تارک دنیا و برای دیگران در چهره‌های دیگر...^(۶۲)

حضور در محضر الهی

عارف، عالم را محضر خدا می‌داند و او را شاهد و ناظر بر جمیع امور می‌شمارد. در قرآن کریم می‌خوانیم که قل اعلموا فیسری الله عملکم و رسوله و المؤمنون...^(۶۳) و بگو (هر کاری می‌خواهید) بکنید که به زودی خدا و پیامبر و مؤمنان در کردار شما خواهند نگرست. امام حسین (ع) در روز عاشورا بعد از شهادت اصحاب سرش را به آسمان بلند کرد و گفت: اللهم انک تری ما یصنع بولد نبیک؛^(۶۴) خدایا تو شاهدی که با پسر پیغمبر تو چه می‌کنند همچنانکه پس از شهادت طفل شیرخوار دست مبارک خود را زیر گلولی او گرفت وقتی که دستش پر از خون شد آن را به طرف آسمان پاشید و گفت: هون علی ما نزل بی أنه بعین الله؛ آن چه که این مصیبت را بر من آسان می‌کند این است که این مصایب در محضر خدا و منظر او واقع می‌شود.

خوف و خشیت الهی

قرآن کریم مؤمنان را می‌ستاید که فقط از خدا می‌ترسند و جز او از کس دیگر هراس ندارند: الذین یبلغون رسالات الله ویخشونه و لا یخشون أحدا إلا الله...^(۶۵) کسانی که پیام‌های خدا را ابلاغ می‌کنند و از او می‌ترسند و از هیچ کس جز خدا بیم ندارند... سیره عملی امام حسین در جریان کربلا مصداق واقعی این آیه است چرا که اگر ترس از نابودی خود و فرزندانش داشت هرگز پای به این صحنه پرمخاطره نمی‌گذاشت. امام در زمره عارفانه خود در دعای عرفه چنین می‌فرماید که: اللهم اخشاک کأنی أراک؛^(۶۶) خدایا مرا آنچنان قرار ده که از تو بیمناک باشم بطوری که گویا تو را می‌بینم.

مقام ذکر

از دیگر اوصاف پارسایان رسیدن به مقام ذکر است. یاد خدا را در دل داشتن و همواره به یاد او بودن، یاد خدا مایه آرامش است: ألا بذکر الله تطمن القلوب^(۶۷) و مؤمنان راستین آنانند که خرید و فروش و مشغولات دنیوی آن‌ها را از یاد خدا غافل نمی‌سازد. رجال لا تلهیهم تجاره و لا بیع عن ذکر الله...^(۶۸) سرور و سالار شهیدان از جمله کسانی بود که به این مقام شریف نائل گشته بود و همواره یاد خدا می‌کرد موقع حمله به دشمن ذکر لاحول ولا قوه الا بالله العلی العظیم می‌گفت^(۶۹) هنگام احساس خطر مرگ انالله و انا الیه راجعون بر زبان جاری می‌ساخت^(۷۰) هنگام رسیدن به کربلا از بلاها و مصیبت‌های آن به خدا پناه می‌برد اللهم أعوذبک من الكرب و البلاء^(۷۱) و بالاخره دشمنان خود را سرزنش می‌کند که: شیطان بر شما مسلط شده و یاد خدای بزرگ را فراموشتان ساخته، تنگ بر شما و آنچه می‌خواهید، ما از خداییم و به سوی خدا باز می‌گردیم.^(۷۲)

صبر و تسلیم

صبر در برابر مصیبت‌ها و تسلیم در برابر اراده الهی یکی دیگر از خصلت‌های نیک عارفان است. عارف معتقد است که آنچه در عالم وجود واقع می‌شود قضای الهی است و تا چیزی از جانب او مقدر نشده باشد واقع نمی‌شود. اگر چه حرکت و تلاش برای دگرگونی وضع موجود و تغییر ناهنجاری‌های خود، قضا و قدر الهی و مرزی جدا از آن ندارد. در قرآن کریم هفتاد بار مقوله صبر مطرح شده که ده مورد آن مرتبط با پیامبر اکرم (ص) است. خداوند به مؤمنان دستور داده از صبر و صلوه برای حل مشکلات کمک بگیرید. یا ایها الذین آمنوا استعینوا بالصبر و الصلوه^(۷۳) و در آیه دیگر صبر و تقوی از استوارترین امور شمرده شده است و ان تصبروا و اتقوا فان ذ

- صبر در برابر مصیبت‌ها و تسلیم در برابر اراده الهی یکی دیگر از خصلت‌های نیک عارفان است.
- عارف معتقد است که آنچه در عالم وجود واقع می‌شود قضای الهی است و تا چیزی از جانب او مقدر نشده باشد واقع نمی‌شود.



● عبادت پیوند
● مخلوق با خالق و
● اوج کمال انسانی
● و ارج بخشیدن
● خداوندی است
● که نعمات
● فراوانی به ما
● عطا کرده است

لک من عزم الأمور^(۳۳) تسلیم نیز اگر چه از جنس صبر است اما مقامی بالاتر است در مقام تسلیم خودی باقی نمی ماند تا انسان بگوید آنچه را جانان می پسندند مورد پسند من است بلکه خود و هر چه را در اختیار دارد تسلیم مولای خود می کند. سخن حضرت اسماعیل که در جواب یا بنی ائی اری فی المنام ائی اذبحک^(۳۴) گفت: یا ابت افعل ما تؤمر ستجدنی ان شاء الله من الصبرین؛^(۳۵) مأموریت خود را انجام بده که اگر خدا بخواهد مرا صابر خواهی یافت نشانه دست یابی آن حضرت به مقام تسلیم و نقیض است.^(۳۶) حسین(ع) قهرمان صبر و تسلیم است و گفتار و کردارش بر آن گواه، آن بزرگوار در وصیت نامه خود که به محمد بن حنفیه نوشته فرموده است: هر کس مرا رد کند و از یاری من سر باز زند صبر می کنم تا خدا بین من و قوم اموی حکم کند که او بهترین حکم کنندگان است.^(۳۷) صحیحگاه عاشورا یاران خویش را چنین به صبر فرا می خواند که: ای کریم زادگان! صبوری کنید زیرا مرگ چونان پلی است که شما را از سختی ها و آسیب ها عبور داده و به بهشت های بهنور و نعمت های جاودانه می رساند...^(۳۸) در قتلگاه و عروجگاه، عصر عاشورا در نیایشی عاشقانه با تن و بازوی زخمدار چنین عرضه می دارد: بر قضا و حکم تو صبر می کنم، ای خدای من، جز تو خدای نیست. ای فریادرس فریادگران.^(۳۹)

- عبادت

عبادت پیوند مخلوق با خالق و اوج کمال انسانی و ارج بخشیدن خداوندی است که نعمات فراوانی به ما عطا کرده است. قرآن کریم، گاه پرستش را هدف آفرینش و گاه عامل نفی سلطه های شیطانی، و گاه زمینه وحی و پیامبری و... معرفی می کند. خداوند در این زمینه می فرماید و ما خلقت الجن و الإنس إلا ليعبدون؛^(۴۰) ۵۷. و جن و انس را نیافریدیم جز برای آنکه مرا بپرستند. امام حسین(ع) عبدصالح خدا بود و تجسم عینی آیات الهی؛ در عین حال که پهلوانی بزرگ بود، عابدی تمام عیار و عارفی کامل در پیشگاه الهی بود. از مصعب زبیری روایت شده که گفت: حسین(ع) با فضیلت و متمسک به دین بود و نماز و روزه و حج او بسیار بود.^(۴۱) عقاد نیز گوید: علاوه بر نمازهای پنجگانه نمازهای دیگر بجای آورد و علاوه بر روزه ماه رمضان در ماه های دیگر هم روزهائی را روزه می گرفت و در هیچ سال حج خانه خدا از او فوت نشد مگر آن که ناچار به ترک شده باشد.^(۴۲) امام حسین(ع) انس ویژه ای با نماز داشت. چنان که قبلا بیان شد از برادرش حضرت ابا الفضل خواست یک شب از امویان مهلت بگیرد تا در آن شب فقط به دعا، نماز، تلاوت قرآن و استغفار و راز و نیاز با خدا بپردازد. در ظهر عاشورا نیز که تنور جنگ به شدت گرم شده بود وقتی صحبت از نماز شد به فکر اقامه نماز افتاد و به شخصی که وقت نماز را به ایشان یادآوری کرد فرمود: نماز را به یادمان آوردی خدا تو را از نمازگران قرار دهد، بلکه اکنون وقت آن است، از دشمنان بخواهید که دست از جنگ بشویند تا نماز ما را بخوانیم. و چون آنان حاضر به این امر نشدند، سعید بن عبدالله حنفی و زهیر بن قین، پاسداری از جان امام را بر عهده گرفته و در این راه شهید شدند.^(۴۳)

- عزت طلبی و ذلت ستیزی

عزت از آن خداست و هر کس طالب عزت است باید آن را نزد خدا بجوید من کان يريد العزه فله العزه جميعا^(۴۴) در قرآن کریم خطاب به پیامبر خود می فرماید که: و لن ترضى عنك اليهود و لا النصرارى حتى تتبع ملتهم؛^(۴۵) یهود و نصاری هرگز از تو خشنود نخواهند شد تا زمانی که از آنان تبعیت کنی بنابراین در صورتی که پیامبر ذلت تبعیت از آنان را بپذیرد تا آن ها از او خشنود می گردند و توطئه نکنند. اما در ادامه آیه خداوند به پیامبر دستور می دهد که بگوید: این هدی الله هو الهدی^(۴۶) به طور قاطع و با عزت تمام سخن آنان را رد کند. اساسا نفوذناپذیری از صفات قرآن است. هرگونه



بطلان، دروغ، تحریف، تغییر و شکست در آن راه ندارد. از این رو درباره صفت قرآن در این کتاب می خوانیم این کتاب عزیز. لا یأتیه الباطل من بین یدیه و لا من خلفه؛^(۴۷) این کتاب نفوذناپذیر و صاحب عزت است هیچ باطلی چه از پیش رو یا از پشت سر به آن راه نمی باید... سیره امام حسین(ع) نیز بر مبنای همین جبل متین الهی بود و لحظه ای تن به ذلت و سر به خواری نداد و سطر سطر قیام او نشانگر عزت مداری و پایداری بر راه هدایت الهی بود. امام(ع) در روز عاشورا در مقابل سپاه دشمن فریاد بر آورد که: آگاه باشید که زنارزاده پسر زنارزاده (ابن زیاد) مرا بین دو چیز مخیر ساخته یا شمشیر کشیده آماده جنگ شوم و یا لباس ذلت بیوشم و با یزید بیعت نمایم ولی ذلت از ما بسیار دور است.^(۴۸)

پی نوشت ها:

۱. بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۳۵۵.
۲. منبع پیشین، ج ۲۲، ص ۱۳۳؛ مرحوم سید هاشم بحرینی در کتاب غایب المرام این حدیث را با سی و نه سند از دانشمندان اهل تسنن و با هشتاد سند از دانشمندان شیعه نقل کرده است.
۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۴.
۴. زمزم / ۲۰.
۵. محمد / ۲۴.
۶. تفسیر البرهان، ج ۱، ص ۱۰۰.
۷. الفتح، ج ۵، ص ۱۴.
۸. احزاب / ۳۳.
۹. قصص / ۲۱ و ۲۲.
۱۰. قصص / ۲۲؛ الفتح، ج ۲، ص ۲۵.
۱۱. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۸.
۱۲. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۹۲ و ج ۴۵، ص ۳.
۱۳. کهف / ۹.
۱۴. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۲ و ۱۸۸.
۱۵. بقره / ۱۲۷.
۱۶. معالی السبطین، ج ۲، ص ۱۱۵.
۱۷. بقره / ۱۳۸.
۱۸. توبه / ۱۱۱.
۱۹. بقره / ۲۰۷.
۲۰. حماسه و عرفان / ۲۴۷.
۲۱. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۸.
۲۲. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۷۷.
۲۳. بقره / ۲۳۷.
۲۴. فصلت / ۲۴.
۲۵. سفینه بحار، ماده خ ل ق، ج ۲، ص ۱۱۶.
۲۶. اسراء / ۲۷.
۲۷. زمر / ۷۲.
۲۸. فرقان / ۶۳.
۲۹. شعراء / ۲۱۵.
۳۰. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۸۹.
۳۱. حشر / ۹.
۳۲. انسان / ۸ و ۹.
۳۳. یرتوی از عظمت حسین(ع)، به نقل از سمعوالمعنی، ص ۱۵۰ - ۱۵۱.
۳۴. یرتوی از عظمت حسین(ع)، ص ۱۶۸ - ۱۶۹، به نقل از سمعوالمعنی، ص ۱۵۱.
۳۵. نساء / ۸۶.
۳۶. آل عمران / ۱۰۴.
۳۷. ر. ک: نصیحت گری و خیر خواهی در همین مقاله.

● عزت از آن
خداست و
هر کس طالب
عزت است باید
آن را نزد
خدا بجوید

۳۸. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹.
 ۳۹. بقره/ ۲۰۷.
 ۴۰. انسان/ ۸ و ۹.
 ۴۱. حماسه عرفان، ص ۲۴۶.
 ۴۲. مجله نور دانش، سال دوم، ش ۳.
 ۴۳. تاریخ سیاسی اسلام، ج ۱، ص ۴۵۱.
 ۴۴. طلاق/ ۳.
 ۴۵. ابراهیم/ ۱۲.
 ۴۶. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۴۶: تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۳۱۸، برگرفته از آیات: اعراف/ ۱۹۶ و یونس/ ۷۱.
 ۴۷. اسراء/ ۷۹.
 ۴۸. توبه/ ۳۶.
 ۴۹. دعای عرفه، مفاتیح الجنان.
 ۵۰. اعیان الشیعه/ ۵۸۱.
 ۵۱. بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۲۱۳.
 ۵۲. مقتل مرقم، ص ۳۹۷ - ۳۹۸.
 ۵۳. قرآن، حسین، شهادت، ص ۱۱۸.
 ۵۴. بقره/ ۱۲۱.
 ۵۵. تنبیه الخواطر و نزهه النواظر، ج ۲، ص ۲۳۶، نقل از میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۴۸۲۴.
 ۵۶. کامل الزیارات، ص ۳۷۱.
 ۵۷. تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۳۱۵.
 ۵۸. حاقه/ ۵۱.
 ۵۹. مانده/ ۴۸.
 ۶۰. بحار الانوار/ ج ۱۰، ص ۲۹۴ و ۲۰.
 ۶۱. بقره/ ۱۸۵.
 ۶۲. حماسه و عرفان، ص ۲۲۹ - ۲۳۰.
 ۶۳. توبه/ ۱۰۵.
 ۶۴. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۱.
 ۶۵. احزاب/ ۳۹.
 ۶۶. مفاتیح الجنان، دعای عرفه.
 ۶۷. رعد/ ۲۸.
 ۶۸. نور/ ۳۷.
 ۶۹. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۵۰.
 ۷۰. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۷۹.
 ۷۱. پیشین، ص ۲۸۱.
 ۷۲. پیشین، ج ۴۵، ص ۶.
 ۷۳. بقره/ ۱۵۲.
 ۷۴. آل عمران/ ۱۸۶.
 ۷۵. صفات/ ۱۰۲.
 ۷۶. صفات/ ۱۰۲.
 ۷۷. حماسه و عرفان، ص ۲۵۸.
 ۷۸. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۳۰.
 ۷۹. معانی الاخبار، ص ۲۸۹.
 ۸۰. مقتل مرقم، ص ۲۸۲.
 ۸۱. ذاریات/ ۵۶.
 ۸۲. پرتوی از عظمت حسین (ع)، ص ۱۶۵، به نقل از اسدالغابه، ج ۲، ص ۲۰.
 ۸۳. منبع پیشین، به نقل از: ابوالشهداء/ ۷۳.
 ۸۴. پیشین.
 ۸۵. فاطر/ ۱۰.
 ۸۶. بقره/ ۱۲۰.
 ۸۷. بقره/ ۱۲۰.
 ۸۸. فصلت/ ۴۱ - ۴۲.
 ۸۹. لهوف، ص ۱۳۹، مقتل الحسین للخوارزمی، ص ۹ و ۱۰.

